

تأثیر پیتر برگر در رویکردهای جامعه‌شناسی دین در زمان معاصر

فائزه ایزدی^۱، حسین حیدری^۲، جواد روحانی رصاف^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۱/۹ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۰۸)

چکیده

پیتر برگر (۱۹۲۹) جامعه‌شناسی است که سالیان بسیار از چشم‌انداز جامعه‌شناختی و الهیاتی به بررسی دین پرداخته و منشأ تأثیرات بسیاری در جامعه‌شناسی دین بوده است. برگر از پیشگامان گسترش نظریه عرفی‌شدن و موثرترین آن‌هاست و اندیشه‌هایش در این باب همچنان مورد استفاده بسیار طرفداران این ایده است؛ گرچه تعدیل و تغییر موضعش درباره عرفی‌شدن نیز - به دلیل اهمیت جایگاهش - تأثیر بسزایی در افول این جریان گذاشته است. از طرفی، وی با گسترش دیدگاهش درباره تکرر در جهان مدرن، بر دیدگاه‌های نوین در جامعه‌شناسی دین، تأثیرگذار بوده است. اندیشه‌های برگر درباره جهان نمادین نیز امروزه به‌طور گسترده‌ای توسط مفسران متون مقدس و جامعه‌شناسان دین مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مقاله سعی شده است با استناد به منابع اصلی و تطبیق داده‌ها، جایگاه اندیشه‌ها و نقش پیتر برگر در قالب چهار مبحث، جریان عرفی‌شدن، افول جریان عرفی‌شدن، مبحث کثرت‌گرایی و رهیافت نمادین به دین، بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: پیتر برگر، جامعه‌شناسی دین، جهان نمادین، عرفی‌شدن، کثرت‌گرایی.

1. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه کاشان
izadi.fa@gmail.com

2. دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه کاشان
Heydari@kashanu.ac.ir

3. پژوهشگر مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
J.Rassaf@Imps.ac.ir

مقدمه

پیتر برگر به‌طور یقین از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان عرصهٔ دین و عرفی‌شدن، با فعالیتی گسترده در این حوزه است. حاصل بیش از پنج دهه کوشش وی در این عرصه، آثار و نظریه‌های ارزشمندی در جامعه‌شناسی دین است که در کانون توجه جامعه‌شناسان و علاقه‌مندان قرار دارد.

پروفسور لیندا وودهد^۱ در مقدمهٔ کتابش با عنوان پیتر برگر و مطالعهٔ دین^۲ می‌نویسد: «اگر جنگ جهانی اول را به‌عنوان مرزی در نظر بگیریم که در آن سوی مرز، نویسندگانی مانند مارکس، دورکیم، وبر و زیمل^۳ قرار دارند، بی‌گمان در این سوی مرز، تعداد انگشت‌شماری، از جمله دیوید مارتین^۴، رابرت بلا^۵، رابرت وثنو^۶ و پیتر برگر قرار دارند که برگر از همه برجسته‌تر است» [۲۸؛ ص ۵]. بسیاری از موضوعات و مطالبی که برگر در خلال این سال‌ها به آن پرداخته است، در سال‌های اخیر به متن مطالعات جامعه‌شناسی دین راه یافته است [همان] و اغراق چندانی نیست اگر پیتر برگر را منشأ تحولات و نگرش‌های جدیدی در جامعه‌شناسی دین بدانیم.

در جامعهٔ انگلیسی‌زبان، آثار برگر بسیار مورد توجه بوده است و پژوهشگران و محققان بسیاری از اندیشه‌های وی بهره جسته‌اند [۱۰؛ ص ۲۴]. در فصل دهم از کتاب برگر و مطالعهٔ دین، دیوید هورل^۷ دانشمندان بسیاری را نام می‌برد که بنیادهای نظری‌شان دربارهٔ دین و فهم آن را^۸ و به‌طور خاص در این فصل دربارهٔ عهد جدید^۹ بر نظریه‌ها و آثار برگر بنا نهاده‌اند [۲۸؛ ص ۱۴۳-۱۴۴]. وی در ضمن نوشته‌اش برای اثبات این مدعا، در پاسخ به این پرسش که به چه دلیل نظریه‌های برگر در سطحی گسترده و بسیار متنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد، بیان می‌کند که برگر شیوه‌ای جامعه‌شناسانه برای مطالعهٔ عهد جدید یا سایر پدیده‌های دینی نشان می‌دهد؛ و گرچه دین را محصولی انسانی می‌داند اما نخست، اهمیت مفاهیم دینی را به‌صرف یک علت

-
1. Linda Woodhead
 2. Peter Berger and the Study of Religion (2001)
 3. Georg Simmel
 4. David Martin
 5. Robert Neelly Bellah
 6. Robert Wuthnow
 7. David G. Horrell

ثانویه^۱ محض^۱ یا محصول عاملی مادی یا اجتماعی تنزل نمی‌دهد و دوم، با تعبیری که از دین مطرح می‌کند به‌عنوان «سایبان مقدس»^۲ و نیز سخن از جهان نمادین، در واقع نگرش‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسانه و الهیاتی را در کنار هم می‌نشانند [۲۸؛ ص ۱۴۷]. در این مقاله، پس از بیان زندگی‌نامه پیتر برگر به بررسی و تحلیل جایگاه اندیشه‌های وی یا به عبارتی، تأثیر او در جامعه‌شناسی دین در قالب چهار مبحث پرداخته شده است:

۱. تأثیری که وی در رشد جریان عرفی‌شدن داشته است؛
۲. نقشی که وی در افول جریان عرفی‌شدن داشته است؛
۳. تأثیری که بحث کثرت‌گرایی برگر، بر جریان جامعه‌شناسی دین و حرکت آن به سمت شبه پارادایم تا اندازه‌ای جدید مدرنیته‌های چندگانه، بر جای گذاشته است؛
۴. جریان نگاه نمادین و دین، که برگر با کتاب *سایبان مقدس* در ترویج آن کوشیده است.

نگارندگان این مقاله برآنند که بررسی و تحلیل نقش پیتر برگر-که با گذشت زمان دگرگونی بزرگی در نظریه‌ها و اندیشه‌هایش داشته است- می‌تواند به واضح‌تر شدن تصویر جامعه‌شناسی دین در دنیای معاصر کمک بسیاری کند. چنانکه همیلتون گفته است: «در علوم اجتماعی، نظریه‌ها هرگز از رده خارج نمی‌شوند، بلکه نظریه‌های تازه و تفسیرهای جدید از نظریه‌های پیشین، به مجموعه نظریه‌های موجود افزوده می‌شود» [۹؛ ص ۳۷۹].

زندگی‌نامه پیتر برگر

پروفسور پیتر لودویگ برگر^۳، استاد بازنشسته جامعه‌شناسی و الهیات دانشگاه بوستون آمریکا^۴ و از جامعه‌شناسان جریان‌ساز و متخصص در حوزه دین به‌شمار می‌رود. وی در هفده مارس سال ۱۹۲۹م. در شهر وین اتریش به دنیا آمد و مدت کوتاهی پس از جنگ جهانی دوم، به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد. در سال ۱۹۴۹م. مدرک کارشناسی

1. Mere Epiphenomena
 2. The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion
 3. Peter Ludwig Berger
 4. University of Boston

خود را از کالج واگنر^۱ دریافت نمود و تحصیلات تکمیلی خود در جامعه‌شناسی را در «مدرسه جدید در تحقیقات اجتماعی»^۲ شهر نیویورک ادامه داد و موفق به دریافت مدرک کارشناسی‌ارشد در سال ۱۹۵۰م. و اخذ مدرک دکترا در سال ۱۹۵۲م. از این دانشگاه شد. او از سال ۱۹۸۱م. در سمت استاد جامعه‌شناسی و الهیات دانشگاه بوستون به فعالیت‌های علمی و دانشگاهی اشتغال داشته و نیز از سال ۱۹۸۵م. ریاست مؤسسه «فرهنگ، دین و امور جهانی»^۳ و همچنین «مؤسسه مطالعات فرهنگ اقتصادی»^۴ متعلق به دانشگاه بوستون را بر عهده دارد. این مؤسسه بیش از صد پروژه تحقیقاتی در چهل کشور جهان انجام داده است و همکاری‌های گسترده‌ای نیز با مراکز تحقیقاتی معتبر در پنج قاره جهان دارد. تمرکز اصلی مؤسسه بر مطالعات نظام‌مند بین توسعه اقتصادی و تغییرات اجتماعی در کشورهای مختلف جهان است.

این جامعه‌شناس متخصص دین، آثار متعددی درباره نظریه جامعه‌شناختی، جامعه‌شناسی دین و توسعه جهان سوم نوشته که به زبان‌های مختلفی ترجمه شده است. آثار و نظریه‌های وی در حوزه نظریه اجتماعی (به‌ویژه واقعیت اجتماعی) و جامعه‌شناسی دین (به‌ویژه ایده عرفی شدن)، او را تبدیل به یکی از چهره‌های شناخته شده و پر ارجاع در عصر حاضر کرده است [۶؛ ص ۱۲۲]. دهه ۱۹۶۰م. سال‌های اوج موفقیت‌های حرفه‌ای برگر است. وی در این سال‌ها به همراه توماس لاکمن^۵ کتاب پر نفوذ *ساخت اجتماعی واقعیت* را منتشر کرد. برگر در این اثر به همراه لاکمن در سایه جامعه‌شناسی معرفت، فرصت کم‌نظیری را برای رشد جامعه‌شناسی دین فراهم آوردند.

در زمینه یادشده برگر در سال ۱۹۶۷م. دیدگاه‌های خاص خود در جامعه‌شناسی دین را در کتاب *سایبان مقدس*^۶ مطرح کرد. وی در این کتاب که در بخش اول آن به مباحث عمومی و از جمله تعریف دین، و در بخش دوم که در حدود نیمی از کل کتاب را شامل می‌شود، به بحث پیرامون ایده عرفی شدن اقدام کرده و نشان داده که تا چه

-
1. Wagner College
 2. New School for Social Research
 3. Institute on Culture, Religion and World Affairs
 4. Institute for the Study of Economic Culture (ISEC)
 5. Thomas Luckman
 6. Sacred Canopy
 7. The Social Reality of Religion

حد از آثار و افکار ماکس وبر جامعه‌شناس شهیر آلمانی تأثیر پذیرفته است. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، این اثر او دنباله بصیرت‌های جامعه‌شناسی دین ماکس وبر به‌شمار می‌رود. در این اثر که دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۹م. با عنوان *واقعیت اجتماعی دین*^۱ منتشر شد، فرایند عرفی‌شدن از سوی وی با دقت و جزئیات فراوان توصیف و تبیین شده است.

لازم به ذکر است که در حوزه جامعه‌شناسی دین، بدون شک برگر بیشتر از هر جامعه‌شناس دیگری به موضوع عرفی‌شدن پرداخته و آثار متعددی را در این زمینه نگاشته است. این جامعه‌شناس شهیر آمریکایی و طرفدار ایده عرفی‌شدن، در اواخر دهه نود میلادی به‌رغم ارائه یکی از برجسته‌ترین نظریه‌ها درباره فرایند عرفی‌شدن، در مقاله *بر خلاف جریان*^۲ اعلام کرد که ایده عرفی‌شدن مبتنی بر سوءتفاهم است. وی که تا پیش از این سعی داشت براساس متکثر بودن جهان مدرن، مرگ دین را تئوریزه کند، اقرار کرد که اساس ایده عرفی‌شدن سوءتفاهمی ناشی از آموزه‌ها و تعالیم فلسفه روشنگری است که امروزه در پی بازاندیشی و انتقادات وارد شده به مدرنیته، بیشتر از هر زمان دیگری بطلان آن روشن شده است. او در سال ۱۹۹۷م. ضمن انتقاد از دانشگاهیان که پروژه‌های پرهزینه پژوهشی درباره بنیادگرایی دینی اجرا می‌کنند، اعلام کرد که: «دنیای امروز به جز چند استثنا، همان‌قدر از نظر مذهبی متعصبانه است که همیشه بوده و حتی در بعضی از مناطق بیشتر از هر زمان دیگر» [۲؛ ص ۳۰].

پیتر برگر از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۸۱م. در دانشگاه‌های مختلفی از جمله دانشگاه کارولینای شمالی^۳، دانشگاه راتگرز^۴، کالج بوستون^۵ و مدرسه جدید در تحقیقات اجتماعی شهر نیویورک، صاحب کرسی تدریس بوده است و تاکنون مدارک افتخاری متعددی از دانشگاه‌های مختلفی چون دانشگاه لویولا^۶، کالج وگنر^۷، دانشگاه نتردام^۸،

1. The Social Construction of Reality

2. Berger, Peter L. Against The Current Prospect, March 20, 1997.

3. University of North Carolina

4. University of Rutgers

5. Boston College

6. University of Loyola

7. Wagner College

8. University of Notre Dame

دانشگاه ژنو^۱، دانشگاه مونیخ^۲، دانشگاه سوفیا^۳ و دانشگاه رنمین^۴ در چین، دریافت کرده و همچنین عضو افتخاری بسیاری از مؤسسات علمی جهان است. این جامعه‌شناس شهیر آمریکایی و ناقد ایده عرفی شدن پس از سال‌ها تدریس در دانشگاه بوستون و پرورش شاگردان زیادی در حوزه جامعه‌شناسی دین از این دانشگاه، بازنشسته شد. جالب است بدانیم که برگر در مورد خود گفته است: «من خود را یک مسیحی می‌دانم؛ ولی در خطی حرکت می‌کنم که شلایرماخر آن را ترسیم کرد؛ یعنی الهیات لیبرال پروتستان. من از اوایل دهه ۱۹۶۰ خود را در این مسیر یافته‌ام» [۱۰؛ ص ۴۷].

نقش پیتر برگر در رشد جریان عرفی شدن

پیتر برگر بی‌شک یکی از پیشگامان گسترش نظریه عرفی شدن و شاید مؤثرترین آن‌ها بوده است که جامعه‌شناسان فراوانی را نیز با خود همراه کرده است. حتی امروزه که وی در بخش مهمی از نظراتش درباره سکولاریزاسیون، تجدیدنظر کرده، با یک بررسی ساده می‌توان مشاهده کرد که تقریباً اکثر مقالات و پژوهش‌هایی که به پدیده سکولاریزاسیون مرتبط است، به آثار وی در این زمینه ارجاعاتی دارند.

اندیشه پیتر برگر درباره دین را می‌توان به دو دوره مهم تقسیم کرد: در دوره اول فکری‌اش، همانند بسیاری دیگر از متفکران و نظریه‌پردازان مختلف که به مسئله عرفی شدن پرداخته‌اند، معتقد بود «رابطه میان دین و مدرنیته معکوس است؛ یعنی هرچه حضور دین بیشتر باشد، عرفی شدن کمتر است و برعکس هرچه مدرنیته بیشتر باشد، حضور دین کمتر است» [۱۱]؛ یعنی از دید وی در آن زمان «مدرنیته ضرورتاً به افول دین می‌انجامد» [۱۵].

برگر این دوران باور داشت که دین با «ماوراءالطبیعه»^۵ و «مقدس»^۶ در ارتباط است. در جریان این سال‌ها برگر معتقد بود که جنبه ماوراءالطبیعه از زندگی انسان‌ها جدا شده است. او می‌نویسد: «اگر مفسران درباره موقعیت کنونی دین نسبت به چیزی اتفاق نظر داشته باشند، آن این است که ماوراءالطبیعه از جهان بیرون رفته است.» [۲۱؛ ص ۱]. از

-
1. University of Geneva
 2. University of Munich
 3. Sofia University
 4. Renmin University
 5. Supernatural
 6. Sacred

آنجا که وی اساس دین را ماوراءالطبیعه و امر مقدس می‌دانست، نتیجه می‌گرفت که با نبود یکی از این دو، دینی هم وجود نخواهد داشت. برگر برای افول دین در آن زمان شواهدی را نیز ذکر می‌کرد. او معتقد بود که در اروپا و به خصوص اروپای غربی و مرکزی، دیگر کسی در مراسم عبادی شرکت نمی‌کند. حتی اگر در آمریکا هم افراد بیشتری در چنین برنامه‌هایی شرکت می‌کنند، انگیزه آن‌ها تغییر کرده است؛ یعنی اگر آمریکایی‌ها به کلیسا می‌روند، نه به دلیل این انگیزه سنتی است که از گناه پاک شده و از آتش نجات یابند، بلکه رفتن آن‌ها به کلیسا، از روی عادت است یا به آموزه‌های آن به دید تربیت اخلاقی برای فرزندان‌شان می‌نگرند [۲۱؛ ص ۴]. در هر دو حالت، برگر عقیده داشت اعتقادات دینی از مفاهیم اصلی، خالی شده است. جدا از عده زیادی که دیگر به سراغ مفاهیم دینی نمی‌روند، این مفاهیم و اعتقادات، معنای گذشته خود را برای آن عده که همچنان به آن‌ها وفادارند، نیز از دست داده‌اند.

بنابراین در این مرحله، اصطلاح عرفی شدن برای برگر عبارتست از: «روندی که طی آن بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از تسلط نهادها و سمبل‌های دینی خارج می‌شوند.» [۲۱؛ ص ۱۰۷]. البته این روند شامل عرفی شدن ذهن انسان نیز می‌شود [۲۱؛ ص ۴]. به این معنا که نمادها و مفاهیم دینی نه برای حوزه نهادی جامعه و نه برای زندگی روزمره فرد هم معنا ندارد. بنابراین، در جریان مدرنیته و در نتیجه عرفی شدن، دین به تدریج از صحنه جامعه و ذهن افراد کنار رفته و سرانجام چیزی از آن باقی نخواهد ماند.

با الهام از همین نظریه، برگر به این نتیجه می‌رسد که همه حرکت‌ها و نهضت‌های دینی، نظیر حرکت اسلامی و حرکت پروتستانیزم انجیلی، نماد آخرین دفاع و خاکریز دین در برابر سکولاریسم هستند که پایدار نخواهند ماند و در نهایت سکولاریسم پیروز خواهد شد؛ به بیان دیگر، سرانجام روحانیون ایرانی، واعظان مسیحی و لاماهای تبتی همچون استادان ادبیات در دانشگاه‌های آمریکا رفتار خواهند کرد و چون آنان خواهند اندیشید [۱؛ ص ۲۷-۲۸].

مهم‌ترین آثاری که برگر در این فضا نوشته و مورد ارجاع و استفاده مکرر سایر جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان قرار گرفته است، عبارت است از:

کتاب *سایبان مقدس* (۱۹۶۷م.)، که در واقع مهم‌ترین اثری است که برگر در زمینه دین و عرفی‌شدن نوشته و بقیه آثار برگر در واقع به‌نوعی حاشیه‌های این کتاب به‌شمار می‌روند [۱۰؛ ص ۵۳]. برگر، در پیشگفتار چاپ سال ۱۹۹۰ م. این کتاب نوشته است: «این کتاب ارتباط ویژه‌ای با ساخت اجتماعی واقعیت دارد که با همکاری توماس لاکمن نوشته‌ام؛ به خصوص فصل اول و دوم این کتاب، کاربرد مستقیم همان دیدگاه نظری در جامعه‌شناسی معرفت، در مورد پدیده دین است؛ یعنی به موضوعاتی از قبیل برونی‌سازی، درونی‌سازی، عینی‌سازی، مشروعیت‌بخشی و ساختارهای موجه‌نمایی می‌پردازد. فصل سوم، با عنوان «مسئله دادباوری»^۱ به‌طور گسترده بر سنخ‌شناسی دادباوری ماکس وبر استوار است. فصل چهارم، با موضوع از «خودبیگانگی» به همان کاری اشاره دارد که با همکاری پلبرگ (۱۹۶۵م.) گسترش داده‌اند. فصل ششم و مهم‌ترین فصل این کتاب، مبحث کثرت‌گرایی و عرفی‌شدن را مورد توجه قرار داده است و فصل هفتم، واکنش‌ها به بحران ناشی از عرفی‌شدن و کثرت‌گرایی را بررسی می‌کند» [۱۰؛ ص ۷].

نزدیک به ۴۷۳۰ ارجاع علمی از مقالات و کتب به چاپ سال ۱۹۹۰ م. کتاب *سایبان مقدس* وجود دارد (Access Date: 1/05/2014- Google Scholar) که در فضای آکادمیک، این میزان ارجاع به کتابی که نویسنده آن هنوز در قید حیات است، بسیار بوده و نشان‌دهنده میزان اهمیت کتاب مورد نظر در مباحث مطرح شده است. در حالی که چاپ‌های قبلی همین کتاب نیز بارها مورد ارجاع محققان بوده است.

پیتر برگر، در سال ۱۹۶۷م. مقاله‌ای با عنوان *بررسی جامعه‌شناختی نظریه عرفی‌شدن* نوشته است. این مقاله اولین اثری است که وی به‌طور خاص به عرفی‌شدن اختصاص داده است. برگر در این مقاله، عرفی‌شدن را از منظر جامعه‌شناختی، به‌ویژه جامعه‌شناسی معرفت بررسی کرده است. تأکید برگر در این مقاله بیشتر بر عرفی‌شدن پدیده‌ای چندعلیتی است و مهم‌ترین عامل آن، که پیش از این کمتر مورد توجه قرار گرفته، عامل کثرت‌گرایی است. البته یک سال قبل از این مقاله، برگر در نگارش مقاله‌ای گروهی با عنوان *عرفی‌شدن و پلورالیسم* نیز همکاری کرده بود [۱۰؛ ص ۵۱].

استیو بروس که خود از مدافعان سرسخت نظریه سکولاریزاسیون است، سهم پیتر برگر را در رشد پدیده سکولاریزاسیون با بیان دو مورد زیر، دارای اهمیت می‌داند:

۱. برگر، تأکید ماکس وبر بر عقلانیت فزاینده بر جهان را تقویت می‌کند. بروس برای بیان این ادعا به مقاله‌ای از برگر اشاره می‌کند با عنوان *کاریزم و بدعت دینی: جایگاه اجتماعی نبوت اسرائیلی*^۱ که آن را در سال ۱۹۶۳م. نگاشته و در آن جایگاه بذر عقلانیت در توحید عهد عتیق را بررسی کرده و در پایان نتیجه گرفته است که یهودیت و مسیحیت (به عمد یا به سهو) بذرهای نابودی خود را کاشته و پرورش می‌دهند. به باور بروس، برگر در آثار اولیه‌اش استدلال می‌کند، نوعی از دین وجود دارد که با مدرنیته به نوعی درهم پیچیده و به ایجاد شرایطی کمک می‌کند که مردم به سمت زندگی کم‌وبیش غیردینی متمایل می‌شوند.

۲. برگر، در آثار اولیه‌اش به نوعی پدیدارشناسی آلفرد شوتس^۲ را ترویج می‌دهد. در واقع برگر، توجه ما را به کثرت‌گرایی موجود در جهان‌های زیسته، و بر باورپذیر بودن آن‌ها در نظام‌های اعتقادی دینی، جلب می‌کند و اعتقاد دارد این موقعیت کثرت‌گرایانه، دین را که اساساً بر قطعیت‌هایی مافوق طبیعی استوار است، دچار بحران هویت کرده و از این رو سکولاریزاسیون را تقویت می‌کند [۲۸؛ ص ۸۷-۸۸].

به‌طور خلاصه می‌توان بیان کرد، آن‌گونه که آنتوتی گیدنز نیز به آن تصریح دارد [۲۵؛ ص ۶۹۵]، در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناس (مارکس، دورکیم و وبر) فرایند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند و از این دیدگاه، بر فضای آکادمیک بعد از خود و از جمله پیتر برگر، تأثیر گذاشتند. در این فضای فکری غالب، از جامعه‌شناسی کلاسیک، پیتر برگر نیز به بیان نظریه‌های خود می‌پردازد و با گسترش و تحلیل مطالب، به زبان روز، خود تا مدت‌ها در رشد جریان نظریه عرفی شدن، تأثیرگذار می‌شود.

گذشت زمان، تحولاتی را در آرای برگر به وجود آورد و دیدگاهش به سمت افول این

1. Charisma and Religious Innovation: The Social Location of Israelite Prophecy

2. Alfred Schutz

جریان برگشت و دوره دوم فکری‌اش دربارهٔ دین آغاز شد. به نوعی در مقام دفاع از جریان سکولاریزاسیون، آثار مهمی نوشته شده و به‌دفعات، به دیدگاه‌ها و استدلال‌ات برگرد در این زمینه پرداخته و از آن‌ها استفاده کرده‌اند، برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دینی و سکولار: مطالعه‌ای بر سکولاریزاسیون^۱ (۱۹۷۰م.)؛ نویسنده: دیوید مارتین^۲، نظریه عام سکولاریزاسیون^۳ (۱۹۷۸م.)؛ نویسنده: دیوید مارتین، سکولاریزاسیون، عقل‌گرایی و فرقه‌گرایی^۴ (۱۹۹۳م.)؛ نویسنده: برایان ویلسون^۵، سکولاریزاسیون به‌مثابه کاهش اقتدار و نفوذ دینی^۶ (۱۹۹۴م.)؛ نویسنده: مارک چاوز^۷، سکولاریزاسیون و یکپارچگی اجتماعی^۸ (۱۹۹۸م.)؛ نویسندگان: برایان ویلسون، رودی لارمنز^۹، کارل دوبلار^{۱۰} و جک بیلیت^{۱۱}.

خدا مرده است: سکولاریزاسیون در غرب^{۱۲} (۲۰۰۲م.)؛ نویسنده: استیو بروس، عصر سکولار^{۱۳} (۲۰۰۷م.)؛ نویسنده: چارلز تیلور^{۱۴}.

نقش پیتر برگر در افول جریان عرفی‌شدن

گرچه برگر از مؤثرترین جامعه‌شناسان در بسط نظریهٔ عرفی‌شدن بوده است، اما با تحولاتی که در برخی دیدگاه‌هایش به‌وقوع پیوست، امروزه در نقطهٔ مقابل این جریان تأکید می‌کند: «وقتی به جهان می‌نگرم، می‌بینم جهان به‌جز در مواردی، مثل گذشتهٔ مذهبی است، و در برخی جاها مذهبی‌تر از گذشته است؛ اما این سخن به این معنا

1. The Religious and the Secular: Studies in Secularization
2. David Martin
3. A General Theory of Secularization
4. Secularization, Rationalism, and Sectarianism
5. Bryan R. Wilson
6. Secularization As Declining Religious Authority
7. Mark Chavez
8. Secularization and Social Integration
9. Rudi Laermans
10. Karel Dobbelaere
11. Jaak Billiet
12. God is Dead: Secularization in the West
13. A Secular Age
14. Charles Taylor

نیست که چیزی به نام عرفی شدن وجود ندارد. عرفی شدن وجود دارد، اما به هیچ وجه نتیجه اجتناب‌ناپذیر مدرنیته نیست؛ بنابراین، این وظیفه جامعه‌شناسی دین است که پدیده عرفی شدن را هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر جامعه‌شناختی، نه به منزله وضعیت نمونه‌ای دین در جهان معاصر، بلکه به منزله یک وضعیت در میان وضعیت‌های دیگر ترسیم کند. در بیشتر جهان جنبش‌های دینی قدرتمندی ظهور کرده، برخی از آن‌ها پیامدهای اجتماعی و سیاسی فراگیری داشته‌اند. دو نمونه از مهم‌ترین آن‌ها، بیداری فراگیر اسلام، هم در سراسر کشورهای مسلمان و هم در مناطق مسلمان‌نشین و پروتستانیسیم انجیلی، به‌ویژه در شکل پنطیکاستی^۱ آن در سراسر کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در کشورهای آمریکای لاتین است؛^۲ البته در سایر جوامع دینی، از جمله در کلیسای کاتولیک، مسیحیان ارتدوکس، یهودیان، بودایی‌ها و هندوها نیز بیداری قدرتمندی روی داده است» [۱۲].

درواقع، برگر در نگرش جدید باور دارد که مدرن شدن ممکن است تقریباً غیرقابل مقاومت باشد، ولی خودبه‌خود به سکولار شدن نمی‌انجامد. در عصر حاضر آنچه اتفاق افتاده این است، که جوامع دینی کوچک و بزرگ کمابیش به حیات خود ادامه داده و به اندازه‌ای رونق داشته‌اند که تلاش نکرده‌اند تا خود را با دنیای سکولار سازگار کنند [۱۸]. از جمله دلایلی که برگر بیان می‌کند تا بگوید جهان امروز، جهانی سکولار نیست، این است که مدرنیته، بسیاری از نظام‌های قدیمی موجود در جامعه را دچار تزلزل کرده

1. Pentecost

۲. پنطیکاست: واژه‌ای یونانی و به معنای پنجاهه، پنجاه روز بعد از عید پاک بوده و روزی است که شاگردان مسیح توانستند به زبان‌های گوناگون جهان سخن بگویند. مهم‌ترین عقیده کلیساهای پنطیکاستی این است که تعمید به روح‌القدس تجربه‌ای مجزا و مستقل از تولد تازه و تعمید آب می‌باشد و تنها نشانه دریافت آن، تکلم به زبان‌های دیگر است. این کلیساها تأکید فراوانی بر شفای جسم دارند و اغلب معتقدند که بیماری در ایمان‌داران به علت گناه است. از مشخصه‌های این کلیساها تأکید بر تجربه تقدس یا کمال مسیحیت است؛ اوج این کمال زمانی است که فرد سرشار از روح‌القدس شود، و نشانه کمال، صحبت کردن به زبان‌های مختلف است. این شکل از مسیحیت بر روی امور احساسی، غیرعقلانی، عرفانی یا رازآمیز و مافوق طبیعی مانند معجزات، نشانه‌ها، شگفتی‌ها، و هدیه روح‌القدس، به خصوص سخن گفتن به زبان‌های متفاوت، شفابخشی ایمان، و بیرون کردن دیوها متمرکز است؛ البته مهم‌ترین امر، تجربه درونی و ذهنی احساس پر شدن یا تسخیر شدن به وسیله روح‌القدس است (<http://www.christ1.mihanblog.com/post/7>).

است. زیرا عدم قطعیت، وضعیتی است که تحملش برای بسیاری از مردم مشکل است؛ از این رو هر حرکتی (دینی و غیر دینی) که مبشر تجدید قطعیات گذشته و یا ارائه قطعیت جدید باشند، در کانون توجه مردم قرار خواهد گرفت [۱؛ ص ۲۳]؛ در نتیجه، دین همچنان مورد قبول و پذیرش مردم است. به‌ویژه این‌که در خارج از حوزه دین، پرسش‌هایی از جنس از کجا آمده‌ام؟ چرا؟ و به کجا خواهیم رفت؟ پاسخ‌هایی قانع‌کننده نخواهند یافت.

در حقیقت، نقطه عطف تحول تفکر برگر را در دو چیز می‌توان یافت: نخست آن‌که، وی به این نتیجه رسیده است که گرچه مدرنیته، کثرت‌گرایی را به همراه خواهد داشت، اما ضرورتاً به عرفی‌شدن نمی‌انجامد. دوم این‌که، پدیده عرفی‌شدن، جهان‌شمول نیست و نباید آن را به همه جوامع تعمیم داد.

از آنجا که برگر، نقش بسزایی در رشد جریان عرفی‌شدن داشته است، تغییر و تعدیلش در بخشی از این نظرات، به‌ویژه در میان جامعه‌شناسان این حوزه اهمیت بسیار داشته و گاه واکنش‌های مختلفی را نیز به‌وجود آورده است. برای مثال، استیو بروس، که از مدافعان سرسخت سکولاریزاسیون است، از این تغییر با عنوان «مورد عجیب دست‌کشی غیر ضروری»^۱ نام می‌برد [۲۸؛ ص ۸۷]. وی بیان می‌کند، آرزومند است با وجود دیدگاه جدیدی که برگر در مورد سکولاریزاسیون پیدا کرده، کوشش‌های وی برای رونق رویکرد سکولاریزاسیون همچنان در جهان معتبر باقی بماند. او مدعی است، برگر آن زمان که دفاعش از پدیده سکولاریزاسیون را اشتباه بزرگ می‌خواند [۱۳؛ ص ۷۸۲] در واقع به گناهی ناکرده، اعتراف کرده و از آن پوزش می‌طلبد؛ زیرا استدلالات برگر در دفاع از رویکرد جدیدش در قبال نگرش قبلی‌اش، غیر متقاعدکننده و غیرمنطقی است [۲۸؛ ص ۸۷].

بروس در ادامه و در نقد تحولات فکری برگر بیان می‌کند، در آثار اولیه برگر دو رویکرد جامعه‌شناسانه و رویکرد متألّهانه دیده می‌شود.^۲ خود برگر نیز در اشاره‌ای کوتاه

1. The Curious Case of the Unnecessary Recantation

۲. البته این نظر صرفاً به بروس تعلق ندارد و برای مثال آنت اهرن (Annette Ahern) مقاله‌ای با عنوان رویکرد شهروند دوگانه برگر نسبت به دین (۱۹۸۹م.) دارد.

ذکر می‌کند: «من دو کلاه پوشیده‌ام؛ یکی در جایگاه جامعه‌شناس و دیگری در جایگاه کسی که علایق خامی به الهیات دارد» [۱۷؛ ص ۲۱]. خلاصه آن‌که، براساس باور بروس تغییری که برگر در آراء اولیه خودش در مورد سکولاریزاسیون داده، ناشی از به‌هم خوردن تعادل بین شخصیت برگر به‌عنوان یک دانشمند علوم اجتماعی از یک طرف و یک مسیحی معتقد از طرف دیگر است [۲۸؛ ص ۸۷].

به هر حال می‌توان استدلال‌ات امثال بروس در موضوع تغییر آراء برگر را، شاهدهی دانست بر میزان اهمیت برگر و تأثیری که این تغییر دیدگاه، بر فضای علمی جامعه‌شناسی دین گذاشته یا می‌تواند بگذارد. نگاهی گذرا بر آثار برگر در دوره دوم تفکرش و قیاس آن‌ها با آثار ابتدایی وی، نشان می‌دهد که میزان ارجاعات علمی به آثار دوره دوم، کمتر از ارجاعات به آثار اولیه است. دلایل این امر، می‌تواند متفاوت باشد و اثبات و استدلالی علمی را نمی‌توان بر این مسئله مطرح کرد. اما موارد زیر را می‌توان در نظر داشت: اول آن‌که، آثار دوره اول، مدت زمان بیشتری در فضای آکادمیک موجود بوده و از این‌رو بیشتر در اختیار محققان مرتبط قرار داشته است. دوم این‌که، بسیاری از آثار دوره دوم برگر، در مجلات عمومی و دینی نوشته شده و چندان قالب مقاله آکادمیک نداشته است و ممکن است از این جهت در مقالات و کتب علمی سایر محققان به‌طور مستقیم و به‌اندازه آثار دوره اول وی، آشکار نشده است. در نهایت این‌که با وجود تمام تحولاتی که در جامعه‌شناسی دین رخ داده است، شاید هنوز بتوان گفت تفکر منطبق بر سکولاریزاسیون یا نوع تعدیل‌شده‌ای از آن، همچنان سایه سنگین خود را در این حوزه حفظ کرده و از این مبحث به نوعی آثار متأخر برگر، بلوکه شده یا در حاشیه قرار گرفته است.

برای مثال، مقاله او با عنوان /از عرفی‌شدن تا/ ادیان جهانی (۱۹۸۰م)، در قالبی نه چندان منطبق با مقالات آکادمیک و در چهار صفحه در مجله قرن مسیحیت^۱ به چاپ رسید و در آن برای اولین بار برگر به‌صراحت از شکی که به سکولاریزاسیون پیدا کرده سخن گفت. صفحه اینترنتی این مجله در حدود شانزده هزار بیننده داشته است
Access Date:)(<http://www.religion-online.org/showarticle.asp?Title=1726>)

(2014) و کتاب او با عنوان *عدم عرفی‌شدن جهان: خیزش دین و سیاست جهان*^۱ (۱۹۹۹م.) حدود هزار و چهارصد ارجاع علمی داشته است (Access Date: 1/05/2014- (Google Scholar).

برای مثال، رادنی استارک^۲ جامعه‌شناس شهیر آمریکایی در حوزه تخصصی دین و به نوعی از حامیان نظریه انتخاب عقلانی، از نظرات برگر در دور دوم تفکر خود در برخی از آثار برجسته‌اش نظیر سه تألیف زیر استفاده کرده است:
 سکولاریزاسیون^۳ (۱۹۹۹م.)
 آینده دین: دنیوی شدن، احیا و اشکال آیینی^۴ (۱۹۸۶م.)
 سکولاریزاسیون: *افسانه نزول دین*^۵ (۱۹۹۹م.)

پیتر برگر، دین و کثرت‌گرایی

برگر وضعیتی که مدرنیته برای دین به وجود آورده را با دو عنوان بررسی کرده است: عرفی‌شدن و کثرت‌گرایی^۶. در طی زمان، نگاه برگر درباره عرفی‌شدن تغییراتی داشته، اما دیدگاه‌هایش درباره اهمیت و وجود تکثر در جهان مدرن، با گذشت زمان، نه تنها افول نداشته، بلکه بیشتر از قبل به آن‌ها پرداخته شده است.
 برگر از همان ابتدا که به تبیین تئوری عرفی‌شدن مشغول بود، به دنبال آن بود که یکی از مهم‌ترین عوامل علی و قطعی در شکل‌گیری آگاهی عرفی مدرن که کمتر به آن تأکید شده است، متکثر شدن جهان‌های اجتماعی است. برگر معتقد است، بروز تکثر - اعم از آن‌که با آن ساده‌انگاران یا سخت‌گیرانه برخورد شود - یکی از عوامل کلیدی فرایند عرفی‌شدن است؛ زیرا مقبولیت و اعتبار خدشه‌ناپذیر تمام جوانب مسئله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او می‌گوید وضعیت متکثر، جهان‌بینی‌های رقیب را نسبی می‌سازد و آن‌ها را از موقعیت‌های مطلق و پایدارشان به زیر می‌آورد [۷؛ ص ۱۳۹ به نقل از مک‌گویر، ۱۹۸۱، ص ۲۳۳].

1. The desecularization of the world: Resurgent religion and world politics
2. Rodney Stark
3. Secularization
4. The Future of Religion: Secularization, Revival and Cult Formation
5. Secularization: The Myth of Religious Decline
6. Pluralism

برگر برای تبیین عامل تکثر، از مفهوم زیست‌جهان‌های اجتماعی استفاده می‌کند که واژه‌ای محوری در پدیدارشناسی است. پیچیدگی چشمگیر ناشی از تقسیم کار در یک اقتصاد متکی بر تولید فناورانه، شامل این معناست که مشاغل و حرفه‌های گوناگون، به ساختن زیست‌جهان‌های گوناگون دست زده‌اند. تکثرگرایی، حاصل توسعه شهری و شهری شدن است. منظور وی از توسعه شهری، فرایندی است در سطح آگاهی؛ به این معنا که شهر، پدید آورنده سبکی از زندگی، شامل شیوه‌های تفکر، احساس و به‌طور کلی تجربه واقعی است که برای جامعه کنونی روی هم‌رفته معیار محسوب می‌شود. در واقع می‌توان شهری بود، ولی در یک روستا یا مزرعه زندگی کرد. به‌ویژه شهری شدن آگاهی، حاصل پیدایش و رشد رسانه‌های ارتباط جمعی مدرن بوده است.

ابداع تعاریف شناختی و هنجاری تازه درباره واقعیت در شهر، به سرعت از طریق انتشارات انبوه، رادیو، تلویزیون و سینما در سراسر جامعه پخش می‌شوند و ارتباط با این رسانه‌ها به معنای درگیر شدن در شهری کردن دائمی آگاهی است؛ تکثرگرایی در واقع ذاتی این فرایند است. این فرایند از راه اطلاعات ذهن فرد را باز می‌کند، به‌همین دلیل، یکپارچگی و مقبولیت ذهنی فرد را سست می‌کند؛ زیرا تحرک بیرونی، قرینه‌هایی در سطح آگاهی فرد نیز دارد. در جهانی که در آن همه چیز در حرکت دائمی است، دستیابی به هر نوع قطعیت کار دشواری است. آنچه در زمینه‌ای از زندگی اجتماعی فرد درست به نظر می‌رسد، ممکن است در موقعیتی دیگر خطا باشد. این به معنای آن است که آنچه در یک مرحله از زندگی فرد حقیقت تلقی می‌شود، ممکن است در مرحله بعد نادرست باشد [۳؛ ص ۷۸-۸۹].

تکثر زیست‌جهان‌های اجتماعی، تأثیر زیادی در حوزه دین در دنیای مدرن داشته است. دین را می‌توان از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، ساختاری شناختی و هنجاری توصیف کرد، که احساس «بودن در خانه خود» در جهان هستی را برای انسان ممکن می‌سازد. با چندگانه شدن زیست‌جهان‌های اجتماعی، این نقش قدیمی دین به‌طور جدی مورد تهدید قرار می‌گیرد. برای سنت‌های دینی و نهادهای نماینده آن‌ها، نه تنها یکپارچه‌سازی کثرت زیست‌جهان‌های اجتماعی در قالب جهان‌بینی جامع و واحد

دینی، بیش از پیش به‌طور جدی دشوار می‌شود، بلکه حتی مقبولیت تعاریف دینی از واقعیت، از درون آگاهی شخصی فرد، به پرسش گرفته می‌شود [۷؛ ص ۸۶].

برگر از این وضعیت با عنوان «تکثرگرایی ارزشی»^۱ یاد می‌کند. به موازات رشد تدریجی چندگانگی، فرد به ناگزیر با دیگرانی مرتبط می‌شود که به باورهای او اعتقادی ندارند و معانی، ارزش‌ها و اعتقادات متفاوت و گاهی متضاد بر زندگی‌شان حاکم است؛ یعنی فرد با «تکثرگرایی معرفتی»^۲ ناشی از برخورد با «دیگران ناهم عقیده» روبرو می‌شود [۱۹؛ ص ۱۳۳].

به باور برگر، کثرت‌گرایی یا پلورالیسم دینی دنیای امروز، از حیث شدت، گستردگی و فراگیری، منحصر به فرد است و این چیز عجیبی نیست؛ این نتیجه همه نیروهای قدرتمند مدرنیته، از جمله شهرنشینی و مهاجرت است که مردمانی با متفاوت‌ترین زمینه‌ها را در کنار هم قرار داده است. گسترش وسایل ارتباط جمعی، اعتقادات و ارزش‌های بسیار گوناگونی را در دسترس همگان قرار می‌دهند. برگر همچنین به وجود انواع و اقسام کتاب‌های مربوط به ادیان و سنت‌های گوناگون در کتاب‌فروشی‌های آمریکا و اروپا اشاره می‌کند و همه آن‌ها را مایه دسترسی بیشتر و راحت‌تر به هر پدیده دینی قابل تصور، می‌شمرد. به اعتقاد برگر، این وضعیت، هر نهادی را که ادعای حقیقت مطلق دارد، با چالشی جدی رو به‌رو کرده است [۱۸؛ ص ۵۶-۵۸].

یکی از پیامدهای این تحول به لحاظ نهادی، خصوصی‌شدن دین است. دوگانه شدن زندگی اجتماعی به عرصه‌های عمومی و خصوصی، به‌منزله ارائه نوعی راه‌حل برای مسئله دین در جامعه مدرن بوده است.

علاوه بر کثرت‌گرایی که در صحنه اجتماعی شاهد آن هستیم، به باور برگر کاربرد دین در عرصه خصوصی نیز، بیش از پیش شکل‌های کثرت‌گرایانه پذیرفته است؛ به این معنا که در عرصه خصوصی نیز انواع گزینش‌های دینی پدیدار شده است. ممکن است فردی به‌عنوان یک کاتولیک غسل تعمید داده شود، با مراسم پروتستانی ازدواج کند و - کسی چه می‌داند- شاید در مقام یک پیرو آیین ذن بودایی (یا در مقام یک لادری‌گر) از

1. Value Pluralism
2. Cognitive Pluralism

دنیا برود [۳؛ ص ۷۸-۸۹]. دینی که مردم در این وضعیت دارند، دین «چهل تکه»^۱ است؛ برای مثال، بسیاری از مردم آمریکا و اروپا به تناسخ معتقدند، در حالی که تناسخ آموزه‌ای کاملاً غیرمسیحی است [۱۱].

مهم‌ترین پیامد تکثرگرایی، تکثیر انتخاب‌ها است. فرایند چندگانه شدن به لحاظ روان‌شناختی- اجتماعی، جایگاه بدیهی معانی و مفاهیم دینی در آگاهی فرد معتقد را به پرسش می‌کشاند. به عبارتی، تعاریف دینی از حقیقت و واقعیت، در نبود تأیید دائمی اجتماعی و عمومی، خصلت قطعی خود را از دست می‌دهند و به موضوعاتی انتخابی تبدیل می‌شوند. به عبارت دیگر، انسان مدرن در مقایسه با اجدادش، از آزادی انتخاب بسیاری برخوردار است. برگر این مطلب را این‌گونه بیان می‌کند «دنیای مدرن دارای نهادها و آگاهی‌های بی‌شماری است؛ دین نیز یکی از جنبه‌های فراوان زندگی بشر است» [۱۷؛ ص ۱۸۳].

به باور برگر انسان مدرن، امروزه در چیزی که از آن به‌عنوان سبک زندگی تعبیر می‌شود، دارای انتخاب است؛ و این به معنی انتخاب‌های اخلاقی، ایدئولوژیکی و انتخاب‌های مذهبی است [۱۸؛ ص ۱-۳]. از نظر برگر انتخاب‌های مذهبی تنها به معنی برگزیدن یک مذهب بر سایر مذاهب موجود نیست، بلکه انسان‌ها درون یک مذهب نیز دست به انتخاب می‌زنند. برخی آموزه‌ها را از یک مذهب و آموزه‌هایی را از مذاهب دیگر می‌گیرند و این یعنی بدعت^۲. برگر معتقد است که مدرنیته، زمینه‌های اجتماعی پدیده بدعت را تغییر داده است. او بر آن است که در شرایط ماقبل مدرن، در دنیای دینی قطعیت وجود داشت و به‌طور اتفاقی توسط بدعت‌گذاری کج‌رو، این قطعیت گسسته می‌شد؛ اما در دنیای مدرن عکس این مطلب وجود دارد؛ یعنی دنیای مدرن، دنیای بی‌ثباتی‌ها است و به‌طور اتفاقی ساخت‌های ناپایدار تأییدات مذهبی، گه‌گاه جلوی این بی‌ثباتی‌ها قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، بدعت برای یک انسان ماقبل مدرن یک امکان دور دست بود، در حالی که برای انسان مدرن به یک ضرورت بدل شده است.

به عبارت دیگر، مدرنیته به دلیل ایجاد فضای تکثر، شرایطی را ایجاد می‌کند که در

1. Patchwork Religion

2. Heresy

آن گزینش و انتخاب به یک ضرورت تبدیل می‌شود. بدعت که روزی مسئله‌ای حاشیه‌ای بود، امروزه به وضعیت فراگیر مبدل شده و در واقع، جهان‌شمول شده است [۱۸؛ ص ۲۸-۳۰].

از نظر برگر همه معارف و از جمله معرفت دینی، دارای منشأ اجتماعی است؛ اجتماعی که دیگران در آن بسیار مهمند و فرد، آگاهی خود را در کنار آنان به دست می‌آورد. در این حالت است که با تغییر در رفتارهای دیگران و یا با جابه‌جا شدن افراد، آگاهی فرد نیز متزلزل می‌شود و در نهایت ممکن است به تغییر در فرد منجر شود. به عبارتی، از آنجا که آگاهی، یک فراورده اجتماعی است، در جامعه مدرن، فرد به‌طور فزاینده‌ای با اعتقادات و ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت روبه‌رو می‌شود؛ بنابراین وادار می‌شود که میان آن‌ها انتخاب کند.

شاید بتوان مهم‌ترین تأثیر این نگاه برگر را در بحث تا اندازه‌ای جدید، مدرنیته‌های چندگانه^۱ مشاهده کرد. در جامعه‌شناسی معاصر، گروهی از جامعه‌شناسان رهیافت جدیدی را برای پاسخ به مسئله بنیانگذاران جامعه‌شناسی - این که در جهان مدرن چه بر سر دین می‌آید؟ - مطرح کرده‌اند که شاید بتوان آن را رهیافت مدرنیته‌های چندگانه نامید. این گروه معتقدند مدرنیزاسیون، بنا به ضرورت سکولاریزاسیون (عرفی شدن) را به همراه ندارد. به باور این افراد این ارتباط پیچیده‌تر و متنوع‌تر است [۲۲؛ ص ۱۰۶-۱۰۹]. در این دیدگاه، یکی از مهم‌ترین فرضیات مدرنیته، یعنی فرض تک و یونیک بودن مدرنیته به‌طور کلی زیر سؤال می‌رود. به واقع این فرض از نظریه‌های کلاسیک نوسازی (چه در تحول‌گرایی و چه در کارکردگرایی) سرچشمه می‌گرفته است [۲۳؛ ص ۱]. بر مبنای دیدگاه مدرنیته‌های چندگانه، فرهنگ‌های دیگر به فرایندهای مدرن‌کننده (که گسترش اشکال غربی مدرنیته هستند) پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند. به عبارتی، مدرنیته در هر جایی شکل مدرنیته در اروپای غربی را به خود نمی‌گیرد و در هر جا نتیجه ساخته شدن و بازسازی برنامه‌های فرهنگی همان منطقه است [۵؛ ص ۶۱]. از آنجا که جایگاه دین از ابتدا در این برنامه‌های فرهنگی متفاوت است، نمی‌توان به‌طور قاطع تعیین کرد که در فرایند مدرن‌شدن، بر سر دین چه پیش می‌آید. این مسئله را باید به‌طور جداگانه

1. Multiple modernities

و با توجه به فرهنگی که در فرایند مدرن شدن واقع شده است، بررسی کرد. دیدگاه‌های برگر دربارهٔ تکثر جهان‌های اجتماعی و کثرت در جهان مدرن، تأثیر بسزایی در پیشبرد اندیشه در این دیدگاه نوین جامعه‌شناسی دین داشته است [۲۲؛ ص ۱۱۰-۱۱۱].

پیتر برگر، دین و جهان نمادین

رهیافت دین‌پژوهان به مطالعهٔ دین را می‌توان در شکل‌های متعددی بررسی کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: رهیافت تحویل‌گرایی^۱، رهیافت کارکردی^۲، رهیافت معرفتی^۳، رهیافت عاطفی^۴، رهیافت وجودی^۵ و رهیافت نمادین^۶. در این دسته‌بندی، پیتر برگر را می‌توان در میان آیین‌نمادگرایان قرار داد. نمادگرایان درصدد هستند بیانی نمادین از دین ارائه کنند. نماد را، از آن‌رو که معانی عمیق و متعددی را به‌صورت سربسته و متراکم در خود ذخیره می‌سازد، نمی‌توان به‌راحتی درک کرد و جز از طریق رمزگشایی و تفسیر، نمی‌توان به عمق مفهوم و مقصود نهفته در آن پی برد. شجاعی‌زند معتقد است، تأکید اصلی نمادگرایان بر دو اصل است:

۱. Reductionalism: در این رهیافت این تمایل وجود دارد که موضوع مورد نظر (دین) نه به‌مثابه یک پدیده اصیل و قابل توجه، بلکه به‌عنوان تجلی و تظاهری از عوامل بنیادی و شناخته‌تر شده‌ای نزد عالمان قلمداد گردد.

۲. Functionalism: ریشه‌های این رهیافت را باید در فایده‌گرایی جست. در چارچوب نظری این رهیافت، سؤالاتی دربارهٔ کارکردهای فردی و اجتماعی دین و نیز چرایی آن‌ها مطرح است. این رهیافت انتشار وسیعی در حوزهٔ جامعه‌شناسی دین داشته است.

۳. Cognitivism: در این رهیافت، دین اساساً یک مقولهٔ اندیشه‌ای برای تنویر و توضیح ابهامات بنیادین هستی و پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی بشر است.

۴. Emutionalism: عاطفه‌گرایان برآنند با نفی جوهرشناختی در دین و سلب زیرساخت‌های معرفتی ایمان، بازگشت به منزل و قرارگاه نخستین دین، یعنی قلب، بهترین انتخاب برای استوار ساختن بنای دین است.

۵. Existansialism: در این رهیافت، مطالعه و بررسی دین در گرو نوعی تعلق خاطر به دین است و بدون تجربهٔ دینی و ارتباط وجودی با دین، در وصول به دین نمی‌توان کامیاب بود. یعنی، پیش از «دانستن» اعتقادات، بر «زیستن» مؤمنانه تأکید می‌شود و دیدگاه آن است که باید با خدا و انسان به‌مثابه تجلیات «وجود» برخورد کرد و نباید چون اشیا به مواجهه آن‌ها رفت.

6. Symbolism

۱. نمادسازی ویژگی انحصاری بشر است که از طریق آن به ارزش‌ها، دلبستگی‌ها و عواطف مورد احترام خویش قالبی رمزگونه می‌کشد؛
 ۲. نظام‌های نمادین بنا به ضرورت تبیین‌کننده واقعیات نیستند، بلکه تجلی و بروز نه چندان آشکارِ نظام‌های روانی و اجتماعی یک جامعه می‌باشند [۸؛ ص ۲۸۴].
- نمادگرایان آراء خود را بر پیش‌فرض‌هایی درباره معناداری و نظم جاری در جهان استوار ساخته‌اند و جز بر این دو پایه، نمی‌توان اصول نمادگرایی را استوار ساخت. بر همین اساس، برگر می‌گوید: «دین کوشش جسورانه‌ای است برای آن‌که سراسر گیتی برای انسان معنادار شود. دین از این طریق بر بی‌هنجاری‌ها و ناملاپماتی چون رنج، مرگ، شر و بی‌عدالتی فایق می‌آید» [۲۰؛ ص ۳۷].
- از نگاه برگر، دین عمل بشری است که از آن طریق کیهان مقدس برقرار می‌شود؛ به عبارت دیگر، دین کیهانی ساختن به شیوه مقدس است. منظور از مقدس در اینجا، حالتی مرموز و قدرتی ترس‌آور که غیر از انسان، ولی مرتبط با او و در اشیای خاصی تعبیه می‌شود [۲۰؛ ص ۲۶].
- برگر به صراحت بیان می‌کند که دین «مجموعه نمادهای بشری است» [۲۱؛ ص ۱۱۴]، و دین را می‌توان به عنوان یک نظم نمادی تاریخی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و هرگونه الهیاتی که این اساس را انکار کند، محکوم به نابودی است [همان].
- «وقتی کسی از دین به عنوان یک نظام نمادی سخن می‌گوید، در واقع به دو مسئله مهم اما متفاوت اشاره می‌کند. نخست این‌که، همه نمادپردازی‌های بشری دین به جهان بشری - به روانشناسی، جامعه‌شناسی آن و امثالهم - اشاره دارد و این یعنی که نمادهای دینی، مظهر واقعیتهای بشری هستند. دوم این‌که دین، تلاش انسان برای نمادین کردن فرانسائی است. نمادهای دینی که از واقعیتهای بشری حکایت می‌کنند، فراتر از انسان و فراتر از دنیای تجربه بشری قرار دارند و در یک کلمه «تعالی» یافته‌اند. این ویژگی چنان مهم است که برگر تصور می‌کند اگر کسی این ویژگی دوگانه نمادپردازی دینی را نفهمیده باشد، چیزی از دین نمی‌داند. در این دیدگاه انسان خود یک نماد

است، جهان تجربی یک نماد است؛ یعنی، انسان و جهان، هر دو حاکی از چیزهایی هستند که ورای آن‌ها و در عین حال ریشه‌غایی آن‌هاست» [۱۰؛ ص ۹۵].

گرچه کلیفورد گریتز برجسته‌ترین دین‌پژوه نمادگرا است و رابرت بلا نیز با مطرح کردن واقع‌گرایی نمادین^۱، گامی مهم در نگرش‌های نمادین به جهان و هستی در مطالعات دین‌پژوهانه داشته است، اما نقش پیتر برگر را نمی‌توان در این میان نادیده گرفت. از آن‌رو که حوزه نمادگرایان در بخش‌هایی با کارکردگرایان تداخل و هم‌پوشانی دارند، می‌توان رد پای این رهیافت را در جامعه‌شناسی دین نیز دنبال کرد.

در حقیقت، برگر جامعه‌شناسی دین را در دل جامعه‌شناسی معرفت جای می‌دهد. جامعه‌شناسی معرفت برگر بدون جامعه‌شناسی دین وی ناقص است. برگر و لاکمن، عبارتی دارند که به صریح‌ترین وجه، این دو را مکمل هم می‌دانند: «... درک ما از جامعه‌شناسی شناخت، به این نتیجه‌گیری می‌انجامد که جامعه‌شناسی زبان و دین را نمی‌توان عناصر اختصاصی دانست که چندان جاذبه و اهمیتی برای نظریه جامعه‌شناسی ندارند، اما سهمی اساسی در ساختن آن دارند... امیدواریم این نکته را روشن ساخته باشیم که جامعه‌شناسی شناخت، مستلزم جامعه‌شناسی زبان است و جامعه‌شناسی شناخت، بی‌جامعه‌شناسی دین امکان‌پذیر نیست و برعکس» [۴؛ ص ۲۵۴].

ادوارد آدامز^۲ در تأثیر نگاه نمادین برگر بر سایر محققان می‌نویسد: «تصور برگر از جهان نمادین، امروزه به‌منزله یک ابزار اکتشافی قابل قبول در مطالعات عهد جدید به‌طور کامل جا افتاده است و در سطح وسیعی، توسط مفسران عهد جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد» [۲۸؛ ص ۱۴۶].

اولین فردی که متأثر از آثار برگر به بررسی نقش جامعه‌ساز متون عهد جدید پرداخت، وین میکس^۳ بود که مقاله «مردی/ از بهشت در فرقه یوحنا»^۴ را در سال ۱۹۷۲م. منتشر کرد. در این مقاله میکس به بررسی درون‌مایه‌ی رازآلود هبوط و صعود عیسی (ع) در انجیل یوحنا پرداخته و مدعی است که کارکرد اجتماعی این درون‌مایه

1. Symbolic Realistic

2. Edward Adams

3. Wayne Meeks

4. The Man from Heaven in Johannine Sectarianism Journal of Biblical Literature, 91, pp. 44° 71.

باید درک شود: بخشی از «جهان نمادین» یوحناپی، که به درک بهتری از تاریخ و تجارب اجتماعی جامعه‌ای که از ضربه دردناک جدایی و انزوای از کنیسه‌های یهود رنج می‌برد، کمک کرده است. متأثر از اثر برگر و لاکمن (ساخت اجتماعی واقعیت)، میکس بر آن است که تصویر عیسی (ع) در انجیل یوحنا به خلق و انعکاس جهانی نمادین از جامعه‌ای فرقه‌گرا، خدمت کرده که به رد این جهان می‌پردازد و به عبارتی، جهانی جدید را بنا کرده است [۲۶؛ ص ۷۰-۷۱].

از دیگر آثار پیشگام متأثر از نگاه نمادین برگر، می‌توان به پژوهش *سلطنت و اجتماع* جان گیگر^۱ در سال ۱۹۷۵م. اشاره کرد. در این اثر گیگر، طیف گسترده‌ای از مطالعات علمی - اجتماعی - نظیر جنبش‌های هزاره، ناهماهنگی‌های شناختی، کاریزما و مانند آن - را برای روشن‌ساختن ابعاد اجتماعی مسیحیت اولیه انجام داده است و این درحالی است که یکی از پایه‌های نظری مباحث از کار برگر گرفته شده است: «دین به‌مثابه تشکیلاتی انسانی که جهانی نمادین و مقدس را بنا کرده است» [۲۴؛ ص ۹ به نقل از برگر ۲۱].

فیلیپ اسلر^۲ نیز یکی از پایه‌های نظری اصلی اثرش درباره کشف انگیزه‌های سیاسی-اجتماعی الهیات لوقا^۳ را بر مبنای جهان نمادین برگر و لاکمن بنا کرده است و تمرکز ویژه‌ای بر مشروعیت، به‌ویژه کارکرد مشروعیت در جهان نمادین دارد [۲۸؛ ص ۱۴۴-۱۴۵].

ریموند پیکت^۴ نیز در پژوهشی که به روایت پولس از به صلیب کشیده شدن عیسی مسیح (ع) مرتبط است^۵، متأثر از برگر، به توضیح ایده‌ها و نمادهای دینی‌ای می‌پردازد که بخشی از جهان نمادین بوده و روابط انسانی را شکل می‌دهد [۲۷؛ ص ۳۴-۳۵]. چنانکه یاد شد، دیوید هورل نیز در خلال نوشته‌اش برای اثبات مدعای تأثیرگذاری برگر، در پاسخ به این سؤال که به چه دلیل نظریه‌های برگر در سطحی گسترده و بسیار

-
1. John Gager
 2. Philip Esler
 3. Esler, Philip F. (1987) *Community and Gospel in Luke-Acts: The Social and Political Motivations of Lucan Theology*, Cambridge: Cambridge University Press.
 4. Raymond Pickett
 5. Pickett, Raymond (1997) *The Cross in Corinth: The Social Significance of the Death of Jesus*, Sheffield: Sheffield Academic Press.

متنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد، به نگرش جهان‌نمادین وی اشاره دارد و ذکر می‌کند که برگر، با همان نگرشی که در *سایبان مقدس* به کار برده است؛ یعنی، نگرش جهان‌نمادین، در واقع نگرش‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسانه و الهیاتی را در کنار هم جمع می‌کند [۲۸؛ ص ۱۴۷].

کتاب *شایعه‌فرشتگان* (۱۹۷۰م.) نزدیک به هفتصد ارجاع معتبر و *سایبان مقدس* (۱۹۹۰م.) با حدود چهار هزار و هفتصد و سی ارجاع^۵ به‌عنوان مهم‌ترین کتاب‌هایی که برگر، نگاه‌نمادین خود را در آن‌ها به‌طور گسترده‌ای به کار بسته است - اهمیت و تأثیرگذاری وی در این حوزه را نشان می‌دهد (Access Date: 1/05/2014- Google Scholar).

گرچه برگر را می‌توان از پیشگامان با نفوذ در این زمینه به حساب آورد، اما پیش از او وبر و قبل از وبر، کلیفورد گیرتز، دین را در قالب نمادین بررسی کرده‌اند و آن را از سرچشمه‌های عمده‌ای می‌انگارند که آدمیان در زمان‌های گوناگون کوشیده‌اند از طریق آن، وجودشان را معنادار سازند [۹؛ ص ۲۷۳]. پیتر برگر نیز تا حدود زیادی تحت تأثیر این دو جامعه‌شناس قرار گرفته است؛ به‌ویژه آن‌که میان مباحث برگر و گیرتز، شباهت‌های بسیاری وجود دارد [۱۰؛ ص ۱۰۶].

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین تأثیرات پیتر برگر را در رویکردهای جامعه‌شناختی می‌توان در «رشد و افول جریان عرفی‌شدن»، «مبحث کثرت‌گرایی» و مسئله «جهان‌نمادین» مشاهده کرد. برگر در دوران اول فکری‌اش بر این باور بود که رابطه بین دین و مدرنیته، رابطه‌ای معکوس است و حضور یکی به‌منزله عدم حضور دیگری است و با گذشت زمان، مدرنیته بنا به‌ضرورت به افول دین و عرفی‌شدن می‌انجامد. با گذشت زمان، وی تغییراتی درباره دیدگاه‌هایش نسبت به دین و عرفی‌شدن داد و می‌توان گفت که امروزه در نقطه مقابل دیدگاه اولش قرار گرفته است. این تغییر رویکرد، به‌دلیل جایگاه ابتدایی‌اش، در میان جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران این حوزه اهمیت بسزایی داشت و واکنش‌های مختلفی را نیز ایجاد کرد.

دیگر تأثیر مهم برگر را می‌توان گسترش وی از تکثر و کثرت‌گرایی در جهان‌مدرن دانست. برگر از همان ابتدا که به تبیین تئوری عرفی‌شدن مشغول بود، معتقد بود که

متکثر شدن جهان‌های مدرن از مهم‌ترین و قطعی‌ترین پیامدهای مدرنیته است و به‌مرور به تقویت این دیدگاه پرداخت. اندیشه‌های وی در این باره نقش بسزایی در شکل‌گیری رویکردهای نوین در جامعه‌شناسی دین، به‌ویژه رویکرد مدرنیته‌های چندگانه داشته است. پیروان دیدگاه مدرنیته‌های چندگانه برآنند که نمی‌توان به‌طور قاطع تعیین کرد که در فرایند مدرن‌شدن، چه بر سر دین می‌آید. این مسئله را باید به‌طور جداگانه و با توجه به فرهنگی که در فرایند مدرن‌شدن واقع شده است، بررسی کرد.

در نهایت، دیگر تأثیر مهم برگر را می‌توان رهیافت نمادگرایانه او دانست که تأثیر بسزایی به‌ویژه بر مفسران متون مقدس داشته است. برگر به‌صراحت دین را مجموعه‌ای نمادهای بشری می‌داند و بر این باور است که دین را باید به‌عنوان یک نظم نمادی تاریخی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و هرگونه الهیاتی که این اساس را انکار کند، محکوم به نابودی است.

منابع

- [۱] برگر، پیتر ال. (۱۳۸۰). *افول سکولاریسم*، ترجمه افشار امیری، تهران، پنگان.
- [۲] ----- (۱۳۷۷). «بر خلاف جریان»، ترجمه حسین قاضیان، کیان، آبان و دی، شماره ۴۴، صص ۳۰-۳۴.
- [۳] ----- و برگر، بریجیت و کلنر، هانسفرید (۱۳۸۱). *ذهن بی‌خانمان*، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نشر نی.
- [۴] ----- و توماس لاکمن (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، نشر مرکز.
- [۵] جلالی پور، محمدرضا و دیوی، گریس (۱۳۸۶). «پس از سکولاریزاسیون»، آئین، خرداد، شماره ۷، صص ۵۹-۶۱.
- [۶] جلیلی، هادی (۱۳۸۳). *تأملاتی جامعه‌شناسانه درباره سکولار شدن*، تهران، طرح نو.

- [۷] شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۰). دین، جامعه و عرفی‌شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران، نشر مرکز.
- [۸] ----- (۱۳۷۸). «تعریف دین و معضل تعدد»، نقد و نظر، تابستان و پائیز، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۲۳۴-۲۹۷.
- [۹] همیلتون، ملکوم (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر ثالث.
- [۱۰] یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۸). بررسی تحول آرای پیتر برگر درباره دین و عرفی‌شدن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- [11] Berger, Peter L.; (2006), Religion in Globalizing World Monday, December 4, key west, Florida. [On Line]: [http://www.pewforum.org/Politics-and-Elections/Religion-in-a-Globalizing-World\(2\).aspx](http://www.pewforum.org/Politics-and-Elections/Religion-in-a-Globalizing-World(2).aspx).
- [12] -----; (2000), Reflections of an Ecclesiastical Expatriate In *The Christian Century*, Vol. 107, No. 24, October, pp. 964° 969. [On Line]: <http://www.religion-online.org/showarticle.asp?title=232>.
- [13] -----.; (1998), Protestantism and the Quest of Certainty In *The Christian Century*, Vol. 115, Issue: 23, pp. 782° 796. [On Line]: <http://www.religion-online.org/showarticle.asp?title=239>.
- [14] -----.; (1997), Epistemological Modesty , An Interview with Peter Berger In *The Christian Century*, Vol. 114, Issue: 30, pp. 972+. [On Line]: <http://www.religion-online.org/showarticle.asp?title=240>.
- [15] -----.; (1996), Secularism in Retreat The National Interest, Issue: 46. Pp. 3+, [On Line]: <http://nationalinterest.org/article/secularism-in-retreat-336>.
- [16] -----.; (1990), *The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*, 19th ed. Faber and Faber, London.
- [17] -----.; (1981), *The Other Side of God: A Polarity in World Religions*, Garden City, NY: Anchor Books.
- [18] -----.; (1979 a), *The Heretical Imperative: Contemporary Possibilities of Religious Affirmation*, Garden City, NY: Anchor/Doubleday.
- [19] -----.; (1979 b), *Facing up to Modernity*, penguin books, harmondsworth.

- [20] -----.; (1969), *The Social Reality of Religion*, London: Faber and Faber.
- [21] -----;(1967), *The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*, Garden city: Doubleday.
- [22] Davie, Grace; (2007), *The Sociology of Religion*, London: Sage.
- [23] Eisenstadt, Shmuel Noah; (2000), *Multiplemodernities*, American Academy of Arts and Sciences.
- [24] Gager, John G. (1975), *Kingdom and Community: The Social World of Early Christianity*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- [25] Giddens, Anthony; (2006), *Sociology*, 5th ed. Cambridge, UK: Polity Press. Hunt, Stephen (2005), *Religion and everyday life*, London; New York: Routledge.
- [26] Meeks, Wayne A. (1972) The Man from Heaven in Johannine Sectarianism *Journal of Biblical Literature*, 91, pp. 44° 71.
- [27] Pickett, Raymond (1997), *The Cross in Corinth: The Social Significance of the Death of Jesus*, Sheffield: Sheffield Academic Press.
- [28] Woodhead, Linda and Heelas, Paul; (2001), *Peter Berger and the study of religion*, London :Routledge.